

درآمدی بر الگوهای ارزشیابی

به انضمام

استانداردهای ارزشیابی برنامه، پرسنل و دانش آموز

تألیف

دانیل استافل‌بیم

ترجمه

غلامرضا یادگارزاده

(مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور)

آرش بهرامی

(مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور)

دکتر کورش پرند

(گروه علوم کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی)

انتشارات یادواره کتاب

این کتاب ترجمه‌ای است از تک‌نگاشت زیر است:

Daniel, I. Stufflebeam, *Evaluation Models. New Directions for Evaluation*, no. 89,

Spring 2003 © Jossey-Bass, A publishing Unit of John Wiley & Sons, Inc.

Stufflebeam, Daniel L.

سرشناسه: استافل‌بام، دانیل‌ال. ۱۹۲۳ -

عنوان و پدیدآور: درآمدی بر الگوهای ارزشیابی به انضمام استانداردهای ارزشیابی برنامه، پرسنل و دانش‌آموز / تألیف دانیل استافل‌بام: ترجمه غلامرضا یادگارزاده، آرش بهرامی، کورش پرند.

مشخصات نشر: تهران: یادواره کتاب، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۷۵ ص.: جدول.

شابک: ۲۲۰۰۰ ریال ۷-۸۲-۵۵۴۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: Evaluation models

موضوع: ارزشیابی -- روش‌شناسی.

شناسه افزوده: یادگارزاده، غلامرضا. ۱۳۵۱ - مترجم: بهرامی، آرش. ۱۳۵۷ - مترجم: پرند، کورش. ۱۳۵۳ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۳۱۳۸۶ د ۵ الف / ۱۹۱ AZ

رده‌بندی دیویی: ۰۰۱/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۹۰۵۴۰



مؤسسه انتشارات یادواره کتاب

عنوان: درآمدی بر الگوهای ارزشیابی

تألیف: دانیل استافل‌بیم

ترجمه: غلامرضا یادگارزاده - آرش بهرامی - دکتر کورش پرند

ویراستار: شیوا احمدی

حروفچینی: شهریر

لیتوگرافی: صبا

چاپخانه: دانش پژوه

چاپ نخست: ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

شابک: ۷-۸۲-۵۵۴۳-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 5543 - 82 - 7

حق چاپ برای انتشارات یادواره کتاب محفوظ و هرگونه اقتباس منوط به اجازه کتبی ناشر می‌باشد.

نشانی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، خیابان نصرت شرقی (میرخانی)، پلاک ۱۴

صندوق پستی: ۳۷۴۴ - ۱۹۳۹۵ و ۸۱۴ - ۱۳۱۳۵

تلفن ۶۶۴۸۸۸۱۸ - نمابر: ۶۶۴۱۹۹۸۲

Email: Yadavareh-ketab@yahoo.com

فهرست

۷	چکیده کوتاه
۹	مقدمه مترجمان
۱۳	مقدمه گری هنری
۱۵	این تکنگاشت چگونه به وجود آمد؟
۱۶	پرسشهای بدون پاسخ
۱۶	اهمیت بافت و زمینه
۱۷	آیا واقعاً ۲۲ رویکرد ارزشیابی وجود دارد؟
۱۸	معیارها و استانداردها
۱۹	بهبود یا کنار گذاشتن
۱۹	گام بعدی چیست؟
۱۹	منابع
۲۱	فصل اول: کلیات
۲۱	مقدمه
۲۱	گسترش رویکردهای ارزشیابی برنامه در قرن بیستم
۲۳	الگوها و رویکردهای ارزشیابی
۲۳	نیاز به مطالعه رویکردهای مختلف
۲۴	ماهیت ارزشیابی برنامه
۲۴	طبقه‌بندیهای پیشین رویکردهای مختلف ارزشیابی
۲۵	تعریف ارزشیابی برنامه

۲۶	طبقه‌بندی و تحلیل بیست و دو رویکرد
۲۸	یادآوری برخی نکات مهم
۲۹	فصل دوم: ارزشیابیهای کاذب
۲۹	مقدمه
۳۰	رویکرد اول: مطالعات ملهم از مناسبات عمومی
۳۳	رویکرد دوم: مطالعات کنترل شده سیاسی
۳۷	فصل سوم: رویکردهای ارزشیابی پرش/روش محور (مطالعات شبه ارزشیابی)
۳۸	رویکرد سوم: مطالعات مبتنی بر هدف
۴۰	رویکرد چهارم: مطالعات پاسخگویی، توجه ویژه به نتایج
۴۴	رویکرد پنجم: برنامه‌های آزمون‌گری عینی
۴۷	رویکرد ششم: ارزشیابی پیامد به عنوان سنجش ارزش افزوده
۵۱	رویکرد هفتم: آزمودن عملکرد
۵۳	رویکرد هشتم: مطالعات آزمایشی
۵۹	رویکرد نهم: نظام اطلاعات مدیریت
۶۱	رویکرد دهم: تحلیل هزینه - فایده
۶۴	رویکرد یازدهم: دادرسی مشروع
۶۶	رویکرد دوازدهم: ارزشیابی مطالعه موردی
۶۹	رویکرد سیزدهم: نقادی و خبرگی
۷۰	رویکرد چهاردهم: ارزشیابی مبتنی بر نظریه برنامه
۷۴	رویکرد پانزدهم: مطالعات روشهای تلفیقی
۹۱	فصل چهارم: رویکردهای ارزشیابی مبتنی بر پاسخگویی/بهبود
۹۲	رویکرد شانزدهم: مطالعات مبتنی بر تصمیم/پاسخگویی
۹۶	رویکرد هفدهم: مطالعات مبتنی بر مصرف‌کننده
۹۹	رویکرد هجدهم: اعتبارسنجی/اعطای گواهینامه

۱۰۷	فصل پنجم: رویکردهای مبتنی بر مدافعه اجتماعی
۱۰۸	رویکرد نوزدهم: مطالعات مراجع محور (یا ارزشیابی پاسخگو)
۱۱۳	رویکرد بیستم: ارزشیابی ساختن‌گرا
۱۱۸	رویکرد بیست و یکم: ارزشیابی دمکراتیک شورایی
۱۲۱	رویکرد بیست و دوم: ارزشیابی متمرکز بر کاربرد
۱۳۵	فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۳۵	بهترین رویکردهای ارزشیابی برای قرن ۲۱
۱۳۹	چکیده و نتیجه‌گیری
۱۴۳	منابع
۱۵۵	پیوست ۱: استانداردهای ارزشیابی
۱۵۷	استانداردهای ارزشیابی کارکنان
۱۶۱	استانداردهای اجرای ارزشیابی برنامه
۱۶۴	استانداردهای ارزشیابی دانش‌آموز
۱۶۹	پیوست ۲: بحثی در خصوص هدفها، توسعه و قابلیت کاربرد استانداردهای ارزشیابی
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	تاریخچه تدوین استانداردهای ارزشیابی
۱۷۰	بحث انتقادی
۱۷۲	نتیجه‌گیری

چکیده کوتاه

آغاز هزاره سوم، زمان مناسبی برای ارزشیابان است تا به صورت انتقادی، رویکردهای ارزشیابی برنامه را مورد مذاقه قرار داده و درباره اینکه کدامیک از آنها سزاوار استفاده در آینده هستند و باید توسعه یابند، تصمیم‌گیری نمایند. در چنین شرایطی، این تک‌نگاشت، بیست و دو رویکرد را توصیف و سنجیده است که اغلب در ارزشیابی برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این رویکردها در درجات مختلف، منحصر به فرد هستند و اکثر کوششهای ارزشیابی برنامه را پوشش می‌دهند. دو تا از این رویکردها، بازتاب واقعیت‌های سیاسی ارزشیابی می‌باشند، و اغلب برای توصیف دروغ یک برنامه و برچسب زدن به کار می‌روند. بیست رویکرد باقی‌مانده، نوعاً به صورت قانونی و صحیح برای قضاوت در خصوص برنامه‌ها به کار می‌روند و در طبقات «رویکردهای پرسش/روش محور»، «بهبود/پاسخگو محور»، و رویکردهای «مبتنی برمدافعه اجتماعی» قرار می‌گیرند. بهترین و قابل‌کاربردترین رویکردهای ارزشیابی برنامه شامل رویکردهای: «مشتري محور/ پاسخگو، مبتنی بر فایده، تصمیم‌گیری/ مسئولیت‌پذیری، مشتري محور، ساختن‌گرایی، مطالعه موردی، سنجش پیامد/ ارزش افزوده، و اعتبارسنجی، همراه با رویکرد جدید دموکراتیک شورایی» می‌باشد. رویکردهای غیرقابل دفاع و دارای استفاده کم، شامل رویکرد «کنترل شده سیاسی، مناسبات عمومی، مسئولیت‌پذیری (به ویژه با توجه به نتایج)، دادرسی مشروح و برنامه نظریه محور» است. بقیه رویکردها شامل رویکردهای «مبتنی بر هدف، مطالعات

تجربی، نظام اطلاعات مدیریت، نقادی و خبرگی، روشهای تلفیقی، تحلیل هزینه فایده، آزمون عملکرد و رویکرد برنامه‌های آزمون عینی^۱، هر چند در ارزشیابی برنامه مفیدند، ولی دارای کاربرد محدودی هستند. همه‌ی رویکردهای قانونی وقتی با استانداردهای حرفه‌ای محک زده شوند، اهمیت و اعتبارشان مشخص می‌گردد.^۱

دانیل استافل‌بیم

۱. از همه کسانی که پیش نویس تک‌نگاشت حاضر را مطالعه کرده و نظر داده‌اند، به ویژه از شارون باریور، گری هنری، جری هورن، توماس کالاهان، گری میرون، رای راسن، جیمز سندرز، سالی ودر، ویلیام وایرزما، ولوری وینگیت، تشکر می‌کنم. البته باید بگویم بنده به عنوان نویسنده، مسئول تمامی محتوای این کتاب هستم.

مقدمه مترجمان

ارزشیابی برنامه^۱ به معنای امروزی، در کشورمان دارای سابقه طولانی نیست. ارزشیابی آموزشی به عنوان یک رشته تحصیلی از سالهای ۱۹۶۰ و با تلاشهای رالف تایلر^۲ شکل گرفت و در طول حدود نیم قرن، توسعه قابل توجهی یافت؛ به گونه‌ای که امروزه شاهد منابع علمی، مستندات و ادبیات قوی‌ای در این حوزه هستیم. در این رهاورد، مفاهیم، تعاریف، هدفها، روشها، الگوها و رویکردهای ارزشیابی، توسعه زیادی پیدا کرده و این امر منجر به گسترش دامنه عملیات ارزشیابی از اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تا ارزشیابی برنامه، مؤسسه، پروژه، معلم و کارکنان شده است.

در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، منابع متعددی به زبان فارسی^۳ وجود دارد که به صورت مبسوط، مفاهیم، هدفها و روشهای آن را مورد بحث قرار داده‌اند. اما ارزشیابی برنامه/مؤسسه دارای منابع محدودی می‌باشد و در چند سال گذشته با قوت گرفتن بحث ارزشیابی کیفیت در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، کتابها^۴ و مقالاتی در این خصوص به چاپ رسیده است. کوششهای اساتید دانشگاهی، مربیان و مدیران در سطوح مختلف، تلاشهای صورت گرفته در سازمانهای تخصصی، مانند سازمان مدیریت صنعتی، فعالیتهای انجام شده در گروه ارزشیابی مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور و اجرای طرح ملی ارزشیابی و اعتبارسنجی دانشگاهها،

1. Program evaluation

2. Ralph Tylor

۳. به عنوان مثال می‌توان به کتاب روشهای اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، تألیف آقای دکتر علی اکبر سیف اشاره کرد که به وسیله انتشارات دوران منتشر شده است.

۴. به عنوان مثال می‌توان به کتاب ارزشیابی آموزشی تألیف دکتر عباس بازرگان، منتشر شده به وسیله انتشارات سمت و کتاب ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی تألیف محمدی و همکاران منتشر شده توسط سازمان سنجش آموزش کشور اشاره کرد.

تلاشهای دفاتر نظارت و ارزشیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در این زمینه، یک نقطه عطف به شمار می‌آید. با وجود این تلاشها، ما هنوز در بحث ارزشیابی برنامه، با کمبود منابع اطلاعاتی و بومی‌سازی الگوها و روشها روبه‌رو هستیم.

کتابی که پیش رو دارید، به وسیله یکی از متخصصان خبره در حوزه ارزشیابی برنامه تألیف شده است. دانیل استافل‌بیم - استاد تعلیم و تربیت در دانشگاه مکی - با حدود ۴۰ سال تجربه علمی و عملی در ارزشیابی آموزشی، مقالات و کتابهای متعددی را به رشته تحریر درآورده است که یکی از مهمترین آنها نظریه، مدل و کاربردهای ارزشیابی^۱ (۲۰۰۷) با همکاری شینکفیلد^۲ و دست‌نامه بین‌المللی ارزشیابی آموزشی^۳ (۲۰۰۳) می‌باشد که به همراه کلگان^۴، تألیف کرده است. او همچنین در زمان تصدی ریاست کمیته مشورتی تدوین استانداردهای ارزشیابی، دو مجموعه استانداردهای ارزشیابی برنامه (۱۹۸۱) و ارزشیابی کارکنان (۱۹۸۸) را منتشر ساخت. استافل‌بیم، پیشنهاد دهنده الگوی ارزشیابی سیپ^۵ و یکی از توسعه دهندگان رویکرد مبتنی بر تصمیم/ پاسخگویی^۶ بوده است.

در این کتاب، استافل‌بیم بیست و دو رویکرد^۷ رایج در ارزشیابی برنامه/ مؤسسه را با دیدی تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. عنوان کتاب، مدلهای ارزشیابی^۸ می‌باشد که در قالب یک تکنگاشت در مجموعه «جهت‌گیریهای جدید در ارزشیابی» به چاپ رسیده است. در کتاب از رویکرد به جای مدل استفاده شده و ما نیز همین روند را رعایت کرده‌ایم. ساختار کتاب بر چهار دسته: رویکردهای ارزشیابی کاذب، رویکردهای پرسش/ روش محور، رویکردهای بهبود/ پاسخگو محور، و رویکردهای مبتنی بر مدافعه اجتماعی قرار دارد. متن اصلی کتاب، دارای فصل بندی خاصی نیست و بیست و دو رویکرد به دنبال هم ارائه شده‌اند؛ ولی در اینجا ما برای درک بهتر مطالب و انسجام

1. Evaluation Theory, Models, and Applications

2. Shinkfield

3. International Handbook of Educational Evaluation

4. Kellaghan

5. Context, Input, process, product (CIPP)

6. Improvement/ Accountability

7. Approach

8. Evaluation models

بیشتر محتوا، آن را در قالب شش فصل ارائه کرده‌ایم.

در ترجمه کتاب، تلاش شده تا از عبارات و اصطلاحات رایج در حوزه علوم رفتاری استفاده شود و تا حد امکان، وفاداری به متن اصلی رعایت گردد. با توجه به اینکه نویسنده کتاب، رویکردها را بر اساس استانداردهای ارزشیابی برنامه مرکز ارزشیابی دانشگاه میثیگان غربی تحلیل کرده، در پایان کتاب این استانداردها به همراه استانداردهای ارزشیابی پرسنل و دانش‌آموز به صورت پیوست ارائه گردیده است. به منظور آگاهی خوانندگان محترم از چگونگی تدوین استانداردها و دیدگاه استافلیم در این زمینه، مقاله‌ای تحلیلی در خصوص آینده استانداردهای ارزشیابی که توسط نویسنده کتاب تألیف شده، به عنوان پیوست دوم آمده است. ذکر این نکته ضرورت دارد که این دو پیوست، در متن کتاب نبوده و برای درک بهتر مطالب و با تصمیم مترجمان گنجانده شده است.

تلاش ما بر حفظ مفاهیم و چارچوب فکری نویسنده بوده و سعی کرده‌ایم تا از کتاب، ترجمه‌ای روان و بدون اشکال ارائه دهیم. ولی ممکن است در این امر نارساییها و نواقصی وجود داشته باشد که تماماً به مترجمان کتاب باز می‌گردد و در این زمینه، پذیرای نظرات، انتقادات، و پیشنهادات اساتید، دانشجویان، محققان و سایر دست‌اندرکاران حوزه ارزشیابی آموزشی هستیم.^۱

در پایان، از استاد ارجمند جناب آقای دکتر بازرگان به خاطر سه دهه تلاش در نهادینه کردن ارزشیابی آموزشی، جناب آقای دکتر فتح‌آبادی که زحمت مطالعه ترجمه اولیه را متحمل شدند، جناب آقای دکتر مهرمحمدی به دلیل کمک در انتخاب برخی واژگان، آقای دکتر حسینی‌نسب، آقای دکتر یغما، آقای ابریشم‌کار، جناب آقای اسدی مدیر محترم انتشارات یادواره کتاب و سایر کسانی که به نوعی یاریگر ما در ترجمه و انتشار کتاب بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. امید است این کتاب، طرف توجه علاقه‌مندان به ارزشیابی آموزشی قرار گیرد.

غلامرضا یادگارزاده، آرش بهرامی و دکتر کورش پرنده

۱. انتقادات و پیشنهادات خود را در خصوص این کتاب، به آدرس پست الکترونیکی yadegarzadeh@gmail.com و یا razzpar@yahoo.com ارسال فرمایید.

مقدمه گری هنری^۱

ارزشیابی حرفه‌ای، اساساً با جمع‌آوری اطلاعاتی سروکار دارد که به دیگران کمک می‌کند در خصوص یک برنامه، خدمت، خط مشی، سازمان، شخص یا هر چیز مورد ارزشیابی، قضاوت به عمل آورند. در چهل سال گذشته ارزشیابی خارج از تنوع فعالیتها، به عنوان یک حوزه خاص توسعه یافته و رویکردهای متعددی برای تولید اطلاعات، شکل گرفته است. به خاطر داشته باشیم و این پرسش مهم را از خود پرسیم که کدام رویکردها باید کاربردی مداوم داشته باشند و کدام یک پس از مدتی کنار گذاشته شوند. در این تک‌نگاشت^۲، دانیل استافل‌بیم بیست و دو رویکرد ارزشیابی را مورد تحلیل قرار داده است که می‌تواند راهنمای مفیدی برای اجرای ارزشیابی باشد:

استافل‌بیم، بیست و دو رویکرد ارزشیابی توسعه یافته در چهل سال گذشته را به صورت تفصیلی و تسلسلی مورد تحلیل قرار داده و شیوه استفاده از آنها برای قضاوت در خصوص برنامه‌ها و خدمات را تشریح کرده است. او هر رویکرد را توصیف کرده و جهت‌گیری، هدف، پرسشهای مورد نظر و روش آن را بیان نموده است. در بسیاری از موارد، این رویکردها را با نامهای مختلف شنیده‌ایم. او در بعضی موارد برای آشکار کردن ابعاد مختلف یک رویکرد، تفاوت‌های آن را با سایر رویکردها مورد بحث قرار می‌دهد.

به هر حال، توصیف او از رویکرد می‌تواند پیش درآمدی بر بحث اصلی ارزشیابی برنامه باشد. استافل‌بیم در به کارگیری روش نظام‌مند برای تحلیل بیست و دو رویکرد

۱. استاد مطالعات سیاستگذاری تربیتی در دانشگاه ویسکانسین و ویراستار کتاب و سر ویراستار مجموعه جهت‌گیریهای نوین ارزشیابی برنامه (م)

ارزشیابی، بی طرف بوده و مانند یک ارزشیاب واقعی عمل کرده است. او به عنوان یک فرد خبره در ارزشیابی، با دیدی فراتر از فرا ارزشیابی^۱ به موضوع نگریسته و رویکردها را با توجه به چهار طبقه استاندارد «مفید بودن»^۲، «عملی بودن»^۳، «مناسبت»^۴ و «دقت»^۵ که پیش تر به وسیله کمیته مشورتی تدوین استانداردهای ارزشیابی برنامه^۶ تدوین شده بود، رتبه بندی کرده و سپس این رتبه بندی، با حاصل یک نمره کلی ترکیب شده است. تجارب گسترده استافیل بیم در اجرای ارزشیابیهای مختلف، یافته هایش در کار با مدل سیپ (زمینه، درون داد، فرایند، محصول) و رهبری طرح تدوین استانداردهای ارزشیابی، او را در جایگاه یک فرد خبره در حوزه ارزشیابی قرار داده است. دیدگاه او به ارزشیابی توانست به او کمک کند تا در بررسی رویکردهای ارزشیابی، فرا ارزشیابی را به جای توجه به یک جنبه خاص مورد توجه قرار دهد.

در پایان، استافیل بیم^۷ به رویکرد، مختلف که می توانند مورد استفاده قرار گیرند را پیشنهاد می کند. تحلیل او نشان می دهد که این^۸ رویکرد از نقاط قوت بسیار متعدد و نقاط ضعف محدودی برخوردارند. بعضی از نتیجه گیریهای استافیل بیم، منعکس کننده کارکرد «بقاء مناسب ترینها»^۹ در حوزه ارزشیابی می باشد که بر اساس آن رویکردی مانند «دادرسی مشروح»^{۱۰} ظهور کرده و سریعاً از میان رفته است. سایر نتیجه گیریهای او کاملاً بحث انگیز است؛ برای نمونه، من به کسب رتبه پایین برای «ارزشیابی مبتنی بر نظریه» در نتیجه گیری استافیل بیم، مشکوک هستم. این دیدگاه نوین، در مدخل کتاب جهتهای نوین ارزشیابی^{۱۱} به وسیله پتروسینو^{۱۲}، راجرز^{۱۳} و هاسکی^{۱۴} (۲۰۰۰) مورد بررسی قرار گرفته است. یک ویژگی بارز فرایند نظام مند مورد استفاده استافیل بیم این است که به ما اجازه می دهد زده بندیهای ویژه ای را که مستقل از رویکرد مشخصی

1. Metaevaluation

2. Utility

3. Feasibility

4. Propriety

5. Accuracy

6. Joint committee on program evaluation standard

7. Survival of the fittest

8. Clarification hearings

9. New directions for evaluation

10. Petrosino

11. Rogers

12. Heubner

13. Hasci

در فهرست پیشنهادی هستند، ردیابی کنیم.

افزون بر آن، برای آمادگی خواننده، خلاصه کوتاهی از موضوعات مورد بحث در ابتدای کتاب آورده شده است. من شرح خواهم داد که این تکنگاشت چگونه شکل گرفته و به عنوان یک کتاب کامل در آمده است. هر چند ممکن است برخی معتقد باشند که به یک مقاله طولانی شبیه تر است. همچنین در ادامه، پرسشهایی را مطرح می‌کنم که تحلیل استافیل‌بیم در خصوص ارزشیابی رویکردهای ارزشیابی را، برجسته می‌کند. به عقیده من، در این تکنگاشت نکات مفیدی وجود دارد که می‌تواند بازخوردهای مفیدی در خصوص دیدگاه‌های متناوب و متنوع رویکردهای ارزشیابی رایج، برای استفاده در اختیار متخصصان قرار دهد.

این تکنگاشت چگونه به وجود آمد؟

کتاب حاضر را می‌توان نسل دوم مجموعه «جهت‌گیریهای نوین ارزشیابی» دانست که یک دوره از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵ منتشر شد و امروزه به عنوان «جهت‌گیریهای نوین ارزشیابی برنامه» شناخته می‌شود، و هر جلد از آن، به موضوع ویژه‌ای اختصاص یافته و هر نویسنده، مسئولیت نگارش یک مجلد را به عهده داشته است. سرویراستار (جنیفر گرین) و من، به انعطاف‌پذیری در فراهم آوردن فرصتهایی علاقه‌مند بودیم که برای مخاطبان ما مفید باشد. اگر چه این کار نشان دهنده تخطی از خط مشی‌های ویراستاری است، ولی این انعطاف‌پذیری را به صورت آزمایشی با درخواست از دانیل استافیل‌بیم برای نگارش در مجموعه «جهت‌گیریهای نوین ارزشیابی»، مورد آزمون قرار دادیم.

در حالی که بررسیهای نخستین برای جلب مشارکت در مجموعه «جهت‌گیریهای نوین ارزشیابی» در سال ۱۹۹۹ در نشست انجمن پژوهش‌های آموزشی آمریکا مطرح شد، من شنیدم که استافیل‌بیم مقدمات کار را نیز ارائه کرده است. هر چند نسخه نخستین و آنچه در این کتاب آمده، بحث‌های زیادی را به دنبال داشت. پس از بحث‌های زیاد در خصوص چارچوب کار، دریافتیم که ارزشیابان از تدابیر و طرز عمل کامل توصیف شده - مانند تحلیل دقیقی که استافیل‌بیم از موضوع ارائه داده - بیشتر استفاده می‌کنند تا اینکه برش کوتاهی از یک مطلب مهم به وسیله چند نویسنده به آنان ارائه گردد، از این رو

تصمیم گرفته شد به جای شکل سنتی که در آن مقالات کوتاه تألیف شده به وسیله چند نفر چارچوب یک کتاب را تشکیل می‌داد، در این مجموعه، هر موضوع به صورت مفصل در قالب یک کتاب آورده شود. فرض ما این بود که استفاده از چنین چارچوبی، بسیار نادر خواهد بود و لازم است کار از ابعاد مختلف مورد بررسی و کاوش قرار گیرد.

پرسشهای بدون پاسخ

وقتی کار تحلیلی استافیلیم درباره رویکردهای ارزشیابی که البته نشان‌دهنده جسارت دیدگاه اوست، به دستم رسید، پرسشهایی ذهن مرا به خود مشغول کرد. اساساً، او مدافع این دیدگاه بود که ارزشیابان باید با غربال کردن رویکردهای مورد نظرشان و رسیدن به آنهایی که بیشترین تعهد را برای سنجیدن ارزش و شایستگی دارند، آغاز نمایند و مایل به افزودن بعضی رویکردها و دست کشیدن از بعضی دیگر باشند. افزون بر این، در حالی که موضوع کتاب به آگاهی بسیاری از افراد رسیده بود و آنان فرصت داشتند به تحلیل رویکردهای ارزشیابی بپردازند، استافیلیم اعلام آمادگی کرد تا در چگونگی اجرا و انجام آن تأمل و توقف کند. پرسشهایی که در خصوص تحلیل استافیلیم مطرح است را، می‌توان در چهار گروه زیر طبقه‌بندی کرد:

- ۱- تا چه حد به بافت و زمینه موضوع در بررسی و تحلیل رویکردهای ارزشیابی توجه شده است؟
- ۲- آیا واقعاً ۲۲ رویکرد به ارزشیابی وجود دارد؟
- ۳- چه معیارهایی برای تحلیل رویکردها مورد استفاده قرار گرفته است؟
- ۴- با این یافته‌ها، چه کار می‌توانیم انجام دهیم؟

اهمیت بافت و زمینه

استافیلیم با این پیش‌فرض که بعضی رویکردهای ارزشیابی نسبت به بقیه برای ارزشیابی کردن هر نوع خدمات و فعالیت‌هایی که بتوان برنامه نامید، مناسب‌تر هستند، کار را آغاز کرده است. او ارزشیابی را به عنوان سنجش ارزش و شایستگی تعریف کرده، سپس هر رویکرد را بر اساس توان بالقوه آن برای وارد شدن به یک سنجش همه جانبه، تحلیل نموده است. پیشنهادهای زیادی برای ایجاد یک روش نظام‌مند جهت کاهش

تعداد احتمالی انتخابهای ارزشیاب، ارائه شده است. برای نمونه، گاهی اوقات موارد اضطراری و محدودیت‌ها در تربیت ارزشیاب و تدوین طرحهای ارزشیابی، اثر می‌گذارد. وجود این موانع و محدودیت‌ها، فهرستی از انتخابهای ممکن را غربال کرده و ممکن است حتی اکثر ورودیهای مهم که می‌توانستند مد نظر قرار گیرند را، حذف نماید. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا ما با یک رویکرد کلی مانند یکی از آنهایی که استافل‌بیم پیشنهاد می‌کند آغاز کنیم، یا اینکه به وسیله انتخاب از میان شاخه‌های یک نمودار درختی که به وسیله بافت و زمینه تعریف شده، آغاز نموده و سپس، رویکردهای جایگزین را بیابیم؟

ممکن است نتوان ارزش و شایستگی یک کنفرانس و ارائه خدمات در شهر ماکوگی^۱ جورجیا را با فهرست یکسانی مانند آنچه رویکردهای ارزشیابی ارائه می‌دهند، سنجید. به تازگی یک هیأت مشورتی ملی پیشنهاد کرده است که آزمایشی تصادفی صورت گیرد و مشخص شود که یک رویکرد ارزشیابی، انتظارات را برآورد می‌کند یا خیر. یک رویکرد تلفیقی، ممکن است بهتر از انتخاب رویکردی ویژه برای مورد ماکوگی باشد. ولی این گفته که بافت و زمینه، سنجش رویکردها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند به گشایش حوزه‌ای برای نسبی‌گرایی وابسته باشد که اجازه می‌دهد یک نگرش بر بقیه غالب گردد. استافل‌بیم با مهارت، از دام نسبی‌گرایی در تحلیل خود دوری کرده است، ولی بافت باید ما را با اطمینان به سمت فهرستی از پیشنهادات برای تطبیق رویکردها هدایت نماید.

آیا واقعاً ۲۲ رویکرد ارزشیابی وجود دارد؟ (ارزشیابیها را می‌توان در قالب رویکردها طبقه‌بندی کرد؟)

استافل‌بیم، فهرستی از بیست و دو رویکرد ارزشیابی را پیشنهاد کرده که در چهار طبقه تقسیم‌بندی شده است. نگاهی گذرا به این فهرست، چند پرسش را پیش می‌آورد. برای نمونه، ارزشیابی مشارکتی تا چه حد آشکار و روشن است؟ کازینز^۲ و ویت‌مور^۳ (۱۹۹۸) تنها در مفهوم ارزشیابی مشارکتی دو دیدگاه مهم را تعریف کرده‌اند. آیا

1. Muccogee

2. Cousins

3. Whitmore

رویکردهای ساختن‌گرا که استافل‌بیم آنها را در زیر مجموعه ارزشیابی اختیاری قرار داده است، به اندازه کافی هدفهای این نوع ارزشیابی را پوشش می‌دهد؟ آیا امکان افزودن رویکردهای جدید، مانند ارزشیابی واقع‌گرا به این لیست وجود دارد (پاوسون^۱ و تیلی^۲، ۱۹۹۷)؟ این فهرست به تنهایی پرسشهای متعددی را به دنبال دارد و می‌توان فهرستهای احتمالی زیادی را به‌جای آن پیشنهاد کرد. نهایتاً اگر بتوانیم طبقه‌بندیهای متنوعی از رویکردهای ارزشیابی را بر اساس علایق داشته باشیم، ممکن است به نوعی سردرگمی دچار گردیم.

معیارها و استانداردها

استافل‌بیم با دقت زیاد، مجموعه‌ای از استانداردها را در تحلیل خود به کار برده که برخی از آنها توسط کمیته مشورتی استانداردهای ارزشیابی آموزشی (۱۹۹۴) تدوین شده است. در جمع‌آوری و تألیف کتاب، او وزن یکسانی به استانداردهای عملی بودن، مفید بودن، مناسبت و دقت داده است. به هر حال، کسب رتبه ضعیف در هر یک از سه استاندارد «دقت» یا یک استاندارد «مناسبت»، می‌تواند منجر به حذف یک رویکرد قابل پذیرش از فهرست گردد. پرسشی که در خصوص استفاده از این استانداردها در مقابل سایر استانداردها مطرح می‌شود، مربوط به «توان استفاده» به عنوان معیار می‌باشد؛ مانند آنچه در اصول راهنما برای ارزشیابی (شادیش^۳، نیومن^۴، شریر^۵ و وای^۶، ۱۹۹۵) مورد استفاده قرار گرفته است. به هر حال، من فکر می‌کنم درباره استفاده از استانداردهای کمیته مشورتی به عنوان یک منبع مناسب برای تحلیل، مخالفت‌های محدودی وجود داشته باشد. ولی وقتی نمرات نه رویکرد پیشنهادی مورد تحلیل بیشتر قرار گرفت، استاندارد «دقت» اساساً با «مناسبت» در پایین‌ترین میانگین کلی (۷۷) و واریانس بسیار بالا (۱۵) یکسان بود. این امر ممکن است یک پرسش در خصوص استاندارد می‌باشد که منجر به پذیرش یک رویکرد می‌شود، مطرح کند. آیا «خوب بودن» کافی است؟ آیا استاندارد «دقت» نسبت به سایر استانداردها، سزاوار تدبیر ویژه‌ای است که آن را در میان چند چیز بر ابر برتری می‌بخشد، یا استاندارد «مناسبت» چنین وضعی دارد؟

1. Pawsou
3. Shadish
5. Scheirer

2. Tilley
4. Newman
6. Wye

بهبود یا کنار گذاشتن

استافل‌بیم در نتیجه‌گیری خود، نه رویکرد را برای استفاده مداوم و توسعه پیشنهاد کرده است. به نظر می‌رسد بقیه رویکردها به کناری گذاشته شده و به حساب نیامده‌اند. اعتبارسنجی، درون «حباب» قرار گرفته و اگر برای بهبود مناسب دیده می‌شد، داخل لیست قرار می‌گرفت. در اینجا استافل‌بیم یک تمایل و کشش کلاسیک و اجتناب ناپذیر در تصمیم‌گیری راجع به تفسیر یافته‌های ارزشیابی نشان داده است. روش او در واقع بازتاب یک منطق عملی می‌باشد. انتخاب از میان رویکردهایی که بیشترین همخوانی را با ارزشیابیهای مطلوب داشته باشند، کار بر روی آنهایی که می‌توانند بهبود یابند، و کنار گذاشتن آنهایی که قابلیت بهبود ندارند، برای استفاده جهت سنجیدن ارزش و شایستگی کافی است. پرسش این است که آیا رویکردهای دارای نمره پایین، با دید مبتنی بر بهبود، مورد بازنگری قرار گیرند یا بدون توجه به چنین نتایجی، از رویکردهای در دسترس، به عنوان ابزاری برای سنجیدن ارزش و شایستگی استفاده گردد؟

گام بعدی چیست؟

استافل‌بیم فرایندی را ابداع کرده است که تفکر و مشورت را فریاد می‌زند. هر چند به دلیل طولانی بودن گفتار، سایر صداها نمی‌توانند به صورت هم زمان، به این گفت‌وگو افزوده شود. ولی اگر با تحلیل استافل‌بیم موافق هستید، شما را به گام بعدی دعوت می‌کنیم. اگر کتاب حاضر با استقبال روبه‌رو شود، می‌توان جلد دوم کتاب را با عنوان «واکنشها و نظرات»، تدوین نمود. شاید یک کنفرانس حضوری با نویسنده، بتواند بسیاری از نکات مبهم کتاب را برطرف کند. من خوشحالم که به عنوان ویراستار کتاب توانستم صدایی را به گفت‌وگوی نویسنده با خواننده، بیافزایم.

منابع

1. Cousins, J. B., & Whitmore, E. (1998) "Framing participatory evaluation". In E. Whitmore(Ed.), Understanding and practicing participatory evaluation: New Directions in Evaluation, No. 80. San Francisco: Jossey Bass.
2. Joint Committee on Standards for Educational Evaluation (1994). "The Program Evaluation Standards". Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

3. Pawson, R. and Tilley, N. (1997). *Realistic evaluation*. Thousand Oaks, CA: Sage.
4. Petrosino, A., Rogers, P., Heubner, T., and Hasci, T. (eds). (2000). "Program Theory Evaluation: Practice, Promise, and Problems", *New Directions for Program Evaluation*, no. 88, San Francisco, Calif: Jossey-Bass.
5. Shadish, W. R. Newman, D. L. Scheirer, M. A., and Wye, C. (Eds). (1995). "Guiding principles for evaluators. *New Directions for Program Evaluation*", no. 66. San Francisco. Calif: Jossey-Bass.

www.ketab.ir